



مفهوم شناسی ادراک در رفتار سازمانی با رویکرد اسلامی

سید احمد کاظمی^۱

چکیده

ادراک و فرایند آن در مدیریت رفتارسازی مانی از جایگاه مهمی برخوردار است. رعایت هنجار، رفتار، تعامل نیک و ارتباطات سازمانی سازنده در گرو ادراک صحیح است هدف پژوهش حاضر عبارت است از بررسی مفهوم «ادراک» در منابع دینی. سؤال اساسی این است که منظور از ادراک در قرآن و روایات چیست و با چه ابزاری حاصل می‌شود و مراحل و مراتب آن کدام است؟ آیات قرآن به خوبی نشان می‌دهد، حیطه‌های شناختی انسان، به تدریج از حرکتی صرف (بازتاب‌ها) به ادراک حسی و سپس به شناخت انتزاعی (وهم، خیال و عقل) گسترش می‌یابد؛ آنگاه از شناخت انتزاعی عبور کرده و به ادراکات فراحسی دست می‌یابد قرآن مرتب به ما گوشزد می‌کند که این مقدار از هستی که به این طرق برای بشر مکشوف می‌شود، فقط بخش کوچکی از هستی است و امور متعددی را یادآور می‌شود که از محدوده ادراک بشری در این دنیا فراتر رفته است که با اصطلاح «فرا ادراک» از آن یاد می‌شود خطاهای ادراکی و عوامل مؤثر بر ادراک، از منظر قرآن بیشتر ریشه در درون انسان دارد که با رعایت تقوا و غفلت زدایی ذهن و ضمیر به صورت بهتر حاصل خواهد شد.

واژگان کلیدی: ادراک، ادراک حسی، ادراک فراحسی، خطای ادراکی، فرا ادراک

بیان مسئله

«ادراک» یکی از مفاهیم کلیدی است که تبیین چستی، امکان، فرایند، ابزارها، موانع و لغزشگاه‌های آن بخشی از مطالعات و تلاش‌های علمی فیلسوفان قدیم جدید، روانشناسان (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۳۳) و پژوهشگران مدیریت رفتارسازی‌مانی را به خود اختصاص داده است (رضائیان، ۱۳۸۷: ۳۵). ادراک به‌طور اعم، به معنای علم و آگاهی انسان از جهان بیرون و دنیای درون اوست و از دیرباز به‌عنوان اساس شناخت و شناسایی انسان، موضوع بحث فلاسفه بوده و با اولین طرز تفکر فلسفی درباره ارزش معلومات و شناخت انسان آغاز شده است. این پرسش همواره برای فلاسفه مطرح بوده است که ادراکات انسان چگونه پیدا می‌شوند؟ آیا اساس این ادراکات، تجارب حسی است، یا بدیهیات عقلی؟ آیا ادراک پدیده‌ای مادی است که در سیر تکاملی ماده و رسیدن به مرحله خاصی شکل می‌گیرد و یا پدیده‌ای مجرد و نوعی از هستی است که با ماده تفاوت دارد؟ (ایروانی، خدا پناهی، ۱۳۸۴: ۵).

فلاسفه یونان، حکمای اروپایی، دانشمندان و فلاسفه اسلامی هریک به نحوی سعی کرده‌اند به این پرسش‌ها پاسخ دهند. فلاسفه یونان درباره شناخت و ادراکات انسان مشاهدات و مطالعاتی داشته‌اند، آنان در پی کشف حقیقت و حدود و وسعت شناخت و داوری درباره حقیقت، متوجه شده بودند که انسان در شناخت‌های خود کم‌وبیش خطا می‌کند مهم‌ترین پرسشی که برای حکمای اروپایی در بحث شناخت مطرح بوده است، چگونگی مطابقت ذهن با عالم خارج است. برای آن‌ها جدایی ذهن از عالم خارج امری بدیهی به نظر می‌رسید و همگی به تعامل فاعل شناخت و متعلق آن توجه داشته‌اند. دانشمندان اسلامی جایگاه بحث علم ادراک را در قلمرو وسیع شناخت و ارزش آن قرار داده‌اند که بر محور حس، عقل و شهود و مراتب و اعتبار آن‌ها دور می‌زند.



روش تحقیق

هدف این تحقیق بنیادی و جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و روش تحقیق بکار رفته در زمره فرایند اکتشاف نظریه اسلامی قرار می‌گیرد منظور از فرایند اکتشاف، یعنی روشی که به هدف استخراج و استنباط آموزه‌های اسلامی از متون و منابع دینی به کار برده می‌شود. در این روش با توجه به مفروضات معرفت‌شناختی و دین‌شناختی بحث، با نگاهی کلان به نظام فکری اسلامی و با استفاده از مطالعات موردی و همچنین با به کارگیری روش تحلیلی فرایندی ۹ مرحله‌ای برای اکتشاف نظریه اسلامی تحقیق انجام می‌گیرد (شریفی، ۱۳۹۷) فرایند اکتشاف، به تعبیر شهید صدر، نوعی حرکت از روبنا یا مسئله، به سوی کشف زیربنا یا نظریه اسلامی در موضوع یا مسئله‌ای خاص است. در مقابل فرایند تولید یا ابداع که شهید صدر از آن به حرکت از زیربنا یا مبانی به سوی روبنا یا احکام و آموزه‌ها، تعبیر می‌کند (صدر، ۱۴۱۰: ۱۰، ۳۶۷-۳۷۱).

نظریه یعنی «یک یا چند گزاره فرضیه‌ای که رفتار یک پدیده را موقتاً توصیف، تبیین، تحلیل و تفهیم می‌کند (دانایی فرد، ۱۳۸۹: ۱۵۸)». منظور از نظریه جامع اسلامی نیز عبارت است از «مجموعه‌ای از گزاره‌های کلی که متأثر از مبانی فلسفی، منابع معرفت و مقاصد اسلامی زیست انسانی، به دنبال توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، ارزشیابی یا کنترل پدید مورد مطالعه است» و نظریه بخشی یا غیر جامع نظریه‌ای است که فقط به بررسی یکی از حوزه‌های آن دانش می‌پردازد.

در فرایند اکتشاف نظریه اسلامی در علوم انسانی نه مرحله ذکر شده است:

یک، تعریف و تبیین مسئله: در تبیین مسئله به صورت مشخص فرایند ادراک تعریف و تبیین شده است.

دو، گردآوری پاسخ‌های ارائه شده: در مرحله دوم نویسنده به جمع‌آوری دیدگاه‌های مطرح در این زمینه مبادرت نموده است که نتیجه و ماحصل آن سه دیدگاه معروف حداقلی، تساهل و حداکثری و دیدگاه میانه و تعادلی هست.

سه، تحلیل و بررسی پاسخ‌ها: در مرحله سوم سعی شده است که دیدگاه‌ها موردنقد و بررسی قرار گرفته و در نهایت نظریه مختار ارائه گردد.

چهار، استقصای قانع‌کننده و اطمینان‌بخش در منابع و متون اسلامی: در مرحله چهارم با گردآوری آیات و روایات و دیدگاه اندیشمندان اسلامی به اشباع مستندات رسیده و به لحاظ سند، محقق به مرحله اطمینان رسیده است همه منابع و متون اسلامی می‌توانند به‌عنوان «حجت» در مسیر اکتشاف قرار گیرند.

پنج، اعتبارسنجی مستندات گردآوری‌شده، از حیث انتساب به دین: آیات قرآن کریم از حیث صدور و سند قطعی الصدورند و از حیث دلالت ظنی الدلاله هستند، همان‌طور که بسیاری از روایات از حیث سند ظنی الصدوراند و از حیث دلالت نیز ظنی الدلاله هستند. برای اعتبار سنجی مستندات دینی تلاش شده است که فرایند زیر طی شود؛

اولاً. تلاش در جهت دستیابی به متن اصلی حدیث؛

ثانیاً. زدودن تصحیف‌ها و تحریف‌های عمدی یا غیرعمدی راه‌یافته در متن روایات. شش، فهم عمیق و دقیق مستندات: برای فهم دقیق و عمیق گام‌های اساسی و چندگانه‌ای مثل توجه به مفردات، ساختار ادبی جمله‌ها، قرینه‌های متصل و منفصل، شأن نزول آیات، بهره‌گیری از اصول فقه و جمع‌آوری طیفی از آیات و روایات برداشته شده است.

هفت، عرضه نتایج بر ضوابط اسلامی حاکم بر قلمرو مربوط: شناخت، ادراک، ابزار و مراتب آن، اثر بسیار مهم در روابط انسان با انسان، انسان با هستی و انسان با خداوند دارد، سازمان‌ها به‌عنوان بخشی از واقعیت‌های زندگی امروزی و دارای اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مستقر در جغرافیای جهان اسلام نمی‌تواند بریده از متون دینی و معارف آن به ترقی و نیل به اهداف موفق باشد؛ از این‌رو نیاز دارد مفاهیم مهم مدیریتی و روان‌شناختی مثل ادراک را بر آموزه‌های دینی، به‌منظور بهبود شناخت عرضه کند.



هشت، عرضه نتایج بر «قواعد اسلامی» حاکم بر زیست انسانی: بحران محیط‌زیست عصر حاضر، بروز بیماری‌های واگیردار و بحران‌های جهانی بدون تردید معلول عدم رعایت روابط انسان با محیط پیرامونی آن است. رعایت حلال و حرام، ارتباط دوسویه با طبیعت و محیط‌زیست، زمانی به‌صورت مؤثر حاصل خواهد شد که درک درست و سازنده از هستی و طبیعت داشته باشیم؛ آشنایی با فرمان‌ها قرآن کریم و دستورات معصومین علیهم‌السلام نسبت به رعایت موازین شرعی و محرمات، می‌تواند جهانی آباد و آزاد، سالم و صالح، رقم بزند.

نه، عرضه بر مقاصد و غایات زیست انسانی: در نگاه اسلامی غایت و هدف از زیست انسان رسیدن به مقام قرب است. آرامش و آسایش نهایی برای یک فرد مسلمان در زندگی مادی و دنیایی خلاصه نمی‌شود، برای پیمودن این مسیر هر انسان مسلمان ملزم به رعایت مقررات دینی مثل ارتباط و مراوده‌های است که در جامعه و سازمان صورت می‌گیرد رعایت مقررات و مراوده سازنده نیز از مسیر ادراک درست به دست می‌آید.

تعریف ادراک

مفهوم «ادراک^۱» دارای ابعاد و معانی وسیعی است. به همین دلیل ارائه تعریفی جامع و کامل از آن چندان بی‌اشکال نیست. ادراک فرایند معناداری است که به‌واسطه آن قادر به شناخت و تفسیر محیط اطرافمان خواهیم بود. شناخت اهداف، یکی از مهم‌ترین کارکردهای این فرایند است (کرینتر، کینیکی، ۱۳۸۶: ۱۲۶) فراگرد دریافت و تعبیر و تفسیر محرک‌های محیطی را «ادراک» گویند. فراگرد ادراکی از سه‌بخشی عمده احساس، توجه و ادراک تشکیل شده است (رضائیان، ۱۳۸۷: ۳۶). پدیده‌ای ادراک فرایندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی معنی‌دار می‌شود و

از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیاء را درمی‌یابد (ایروانی، خدا پناهی، ۱۳۸۴: ۲۲). شهید مطهری شناخت و ادراک را به صورت حاصل از شیء تعریف و آن را دارای مراتب حسی، خیالی و عقلی می‌داند (طباطبایی، مطهری، ۱۳۷۲: ج ۱، ۹۳).

ضرورت بحث

از آنجای که موضوع ادراک انسان از هستی و نحوه تعامل با دیگران در زندگی اجتماعی و سازمانی تأثیر بسیار دارد بررسی موضوع ادراک بسیار حائز اهمیت است (رضائیان، ۱۳۸۷: ۳۵). ادراک در مدیریت به آن دلیل از اهمیت چند برابر برخوردار است که مدیران معمولاً بر مبنای آن تصمیم‌گیری می‌کنند. درکی که مدیر از وظایف خود و کارکنان دارد، در کنار آنچه کارکنان از وظایف خود و دیگران ادراک می‌کنند و نیز ادراکاتی که مدیران و کارکنان، از نوع شخصیت و نیازهای خود و دیگران دارند، از جمله مواردی است که باعث تأثیرگذاری بر تعاملات، رفتارهای سازمانی، مدیریت رفتار سازمانی در سازمان می‌شود. این تأثیر هنگامی روشن‌تر می‌شود که ادراکات کارکنان و مدیر سازمان در جهت مخالف هم قرار گیرند تلقی و درک یک پدیده از نگاه کارکنان چیزی باشد و درک و نیت مدیر چیز دیگر، ادراک درست و شناخت حقیقت می‌تواند، در جهت همگرایی و اتحاد مؤثر باشد و از رفتارهای واگرایان و سیاسی جلوگیری کند. اغلب گفته می‌شود «هرکس دنیا را با دیدگاه متفاوتی می‌بیند (بارون، گرین برگ، ۱۹۹۰: ۱۱۶)». برای اولین بار بحث ادراک را در رفتار سازمانی کرت‌لویین هنگامی که تفاوت میان ادراکات و واقعیت را بررسی می‌کرد مطرح نمود. او معتقد بود افراد جهان همان‌طور که درک می‌کنند، می‌بینند، نه آن‌طور که واقعاً وجود دارد (ابراهیمی، مشبکی، ۱۳۹۱: ۱۲). در قرآن کریم ادراک، شناخت و موانع آن از اهمیت بسیار بالا و بسزای



برخوردار است، در حدود ۷۳۰ آیه موضوع ادراک، شناخت درست، ابزار و موانع آن از هستی و توجیه حیات معقول مطرح شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۰۷).

بررسی مفهوم ادراک در منابع دینی

تحقیق و بررسی آیات قرآن، روایات و دیدگاه علما و حکما اسلامی نشان می‌دهد، احساس، ادراک و شناخت از زیر بنایی‌ترین مباحث علمی و معرفتی است بقا نوع بشر و استمرار و حیات مادی و معنوی آن، در قدم اول وابسته به دریافت‌های حسی ما از پیرامون و درون خودمان است وقتی از مادر متولد شدیم چیزی نمی‌دانستیم و به کمک ابزارهای که خداوند در وجود ما قرار داده است به تدریج خود و محیط خودمان را شناختیم. خداوند در وجود ما تعدادی حس بیرونی و درونی قرار داده است حواس ظاهری و باطنی ما و ادراک حسی حاصل از آن راه را برای شناخت و تفکر باز می‌کنند.

بررسی آیات قرآن مجید نشان می‌دهد که چهار طیف آیات نسبت به درک و فهمیدن وجود دارد؛

یک ادراک حسی) آیات که انسان را به تدبیر و سیر و نظاره دعوت می‌کند و ابزارهای مثل چشم و گوش و فؤاد نیز معرفی می‌کند؛

دو ادراک فراحسی) ادراکاتی که با ابزار تجربی و حسی قابل درک نیست: وحی، رؤیای صادق، کشف و شهود را می‌توان در این دسته قرار داد.

سه فرا ادراک) اموری که خارج از درک انسان است و به اقتضای طبع آدمی و عالم ناسوتی مرغ ادراک و اندیشه آدمی را مجال و توان جولان و پیران در آن وادی نیست.

چهار خطا و عوامل مؤثر بر ادراک) خطاهای ادراکی و عوامل مؤثر بر درک و شناخت بهتر نیز عنصر اصلی در فرایند شناخت دنیا، اطرافیان، کیهان و خالق این مخلوقات است که آیاتی زیادی در این زمینه وجود دارد. دسته اول آیاتی است که

ادراک حسی را مورد تأیید و تأکید قرار داده و سطوح آن را مورد اشاره و ابزار و فرایند آن را مورد بازنمایی و معرفی قرار می‌دهد: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل، آیه ۷۸) و خدا شمارا از بطن مادران بیرون آورد درحالی که هیچ نمی‌دانستید و به شما

گوش و چشم و قلب اعطا کرد تا مگر [دانا شوید] شکر [این نعمت‌ها] به جای آرید. حس و عقل «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيَّهُمْ يُخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُمَا تُسْعَى (طه، آیه ۶۶)» گفت: شما بیفکنید. ناگهان از جادویی که کردند چنان در نظرش آمد که آن رسن‌ها و عصاها به هر سو می‌دوند. «وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (یونس، آیه ۳۶) بیشترشان فقط تابع گمان‌اند و گمان نمی‌تواند جای حق را بگیرد. هرآینه خدا به کاری که می‌کنند آگاه است.

دسته دوم آیاتی است که ادراکات غیر حسی مثل رؤیایی صادق، غیب‌گویی، احساس بو از راه دور، الهام و وحی را برای انسان معرفی می‌کند و در کنار ادراک حسی به این نوع ادراکات برای رسیدن به حقایق و درک واقعیت‌ها اشاره دارد: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا...» (یوسف، آیه ۱۰۰) پدر و مادر را بر تخت فرا برد و همه در برابر او به سجده درآمدند. گفت: ای پدر، این است تعبیر آن خواب من که اینک پروردگارم آن را تحقق بخشیده است. «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَاَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ» (یوسف، آیه ۹۳) این جامه مرا ببرید و بر روی پدرم اندازید تا بینا گردد؛ و همه کسان خود را نزد من بیاورید.

«وَلَمَّا فَصَلَ الْعَيْرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ» (یوسف، آیه ۹۴) چون کاروان به راه افتاد، پدرشان گفت: اگر مرا دیوانه نخوانید بوی یوسف می‌شنوم. «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ...» (ص، آیه ۷) و به مادر موسی وحی کردیم که: شیرش بده و اگر بر او بیمناک شدی به دریایش بینداز. «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا...» (شوری، آیه



۷) و نیز این قرآن را به زبان عربی بر تو وحی کردیم تا ام‌القری و ساکنان اطرافش را بیم دهید.

دسته سوم آیاتی است که انسان را از شناخت و ادراک برخی مسائل عاجز دانسته و ظرفیت وجودی انسان را محدود و آن مسائل را فوق ادراک بشری می‌داند منظور از امور فوق ادراک، اموری است که قرآن به مناسبت‌های مختلف از آن یاد می‌کند و تذکر می‌دهد که انسان از درک آن عاجز است: «ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (انفطار، آیه ۱۷)» تو چه می‌دانی روز قیامت چیست «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (قدر، آیه ۲)» و تو چه دانی که شب قدر چیست؟

دسته‌ی چهارم آیاتی است که اشاره به موانع ادراک دارد و خطاهای ادراکی را معلول عوامل چندگانه می‌داند قرآن کریم برای پی بردن به حقایق و رسیدن به واقعیت‌ها، دستوراتی در جهت کسب آن عناصر و یا حذف آن، برای درک بهتر از عالم هستی دارد: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (جاثیه، آیه ۲۳)» آیا آن کس را که هوشش را چون خدای خود گرفت و خدا از روی علم گمراهش کرد و بر گوش و دلش مهر نهاد و بر دیدگانش پرده افکند، دیده‌ای؟ اگر خدا هدایت نکند چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ چرا پند نمی‌گیرید؟

بررسی آیات قرآن کریم

مطالعه در آثار مفسران، دانشمندان و متفکران مسلمان، این حقیقت را در اختیار می‌گذارد که تحقیق و اظهارنظر درباره‌ی واقعیت ادراک و سرچشمه‌های آن، از گذشته‌های بسیار دور موردنظر بوده است. حکمای اسلامی با دستیابی به منابع جدید و متون وحیانی قرآن برخلاف خیلی از حکما و دانشمندان غربی که فرایند ادراک را در «اصالت تجربه» یا «اصالت عقل» خلاصه کرده‌اند، با اتکا و استمداد از قرآن کریم، مسیر روشن و مشخصی را دنبال کرده است (کلاتری، ۱۳۹۰: ۱۳۹). برخلاف

نوساناتی که در بستر زمان برای دانشمندان و فلسفه‌ی غرب در مسئله‌ی ادراک و شناخت رخ داده، دانشمندان و فلاسفه اسلامی در این مسئله از موضع استواری برخوردار بوده است. اندیشمندان مسلمان، بدون آنکه از ارج تجارب حسی بکاهند و اهمیت به کارگیری روش تجربی را در علوم طبیعی انکار کنند، همواره بر اصالت عقل در حل مسائل متافیزیکی و استفاده از متد تعقلی، در حل مسائل استدلالی تأکید کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۴۹).

بررسی آیات قرآن کریم به‌خوبی نشان می‌دهد، مراتب و اقسام ادراک در تقسیم‌بندی اندیشمندان مسلمان (نصری، ۱۳۷۹: ۲۲۶) به «ادراک حسی»، «ادراک وهمی»، «ادراک خیالی» و «ادراک عقلی» از پشتوانه قرآنی برخوردار است.

چنان‌که دانشمندان علوم روانشناسی و مدیریت رفتار بیان کرده است ادراک فرایند است که در این فرایند ذهنی ادراک از محرکه‌ای محیطی شروع و در نتیجه معنی‌دار می‌شود و انسان روابط امور و اشیاء را درک می‌کند. البته باید توجه داشت که لزوماً هر ادراکی مطابق با واقع نیست زیرا ادراک، بر اساس انتظارات و پیش‌داوری‌های ادراکی که ممکن است به خطا نیز منجر گردد، صورت می‌پذیرد (ایروانی، خدا پناهی، ۱۳۸۴: ۲۳). این بیان از ادراک همان چیزی است که حکمای اسلامی با بهره‌مندی از آیات قرآن، ادراک را دارای مراتب و فرایند آن را در قالب، ادراک حسی، وهمی، خیالی و عقلی بیان کرده است.

ادراک حسی: شکی نیست که حواس انسان از ابزار شناخت هست و انسان با حواس چند مجهز شده است و از طریق هر یک با گوشه‌ای از جهان آشنا می‌شود دیدنی‌ها را از طریق چشم، شنیدنی‌ها را از طریق گوش، چشیدنی‌ها را به‌وسیله ذائقه، بوئیدنی‌ها را از طریق شامه، زبری و نرمی را، گرمی و سردی را از طریق لامسه به دست می‌آورد (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۲۳). ادراک حسی که عبارت است از صورت‌هایی از اشیاء مادی که با مواجهه و ارتباط مستقیم ذهن با خارج با به کار افتادن یکی از حواس پنج‌گانه یا بیشتر در ذهن منعکس می‌شود فلاسفه اسلامی ما با



پیروی از قرآن کریم که می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» برای حواس انسان ارزش ابزاری برای شناخت تایلند (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۸). علامه طباطبایی (ره) در ذیل این آیه می‌فرماید: سمع و ابصار اشاره است به مبادی این علم که خدای تعالی به انسان انعام کرده چون مبدأ تمامی تصورات، حواس ظاهری است، که عمده آن‌ها حس باصره و حس سامعه است؛ و آن حواس دیگر یعنی لامسه و ذائقه و شامه به اهمیت آن دو نمی‌رسند و مبدأ تصدیق و فکر، قلب است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۴۵۲).

هرگز عالم خارج به درون وجود ما راه نمی‌یابد، بلکه تصویر و ترسیم و اشکالی از آن با وسایلی در روح ما نقش می‌بندد و به این ترتیب همیشه شناخت ما نسبت به جهان خارج به وسیله ابزاری صورت می‌گیرد که از همه مهم‌تر سمع و بصر (چشم و گوش) است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۳۳۷). احساس اولین مرحله ادراک است و حواس ظاهری و حواس باطنی از قوای ادراک حسی نفس‌اند (ملاصدرا، ۱۴۱۰: ج ۸، ۳۱۲). ادراک حسی، تبیین و توضیح آن، حواس پنج‌گانه به عنوان ابزار شناخت در کلام رهبران دینی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «وَاعْلَمْ أَنْ كَلَّمَا أَوْجَدَتْكَ الْحَوَاسُ فَهِيَ مَعْنَى مُدْرِكِ لِلْحَوَاسِ وَ كُلُّ حَاسَةٍ تَدُلُّ عَلَى مَا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهَا فِي إِدْرَاكِهَا وَ الْفَهْمُ مِنَ الْقَلْبِ بِجَمِيعِ ذَلِكَ كَلَّةٌ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۴، ۵۲)» بدان که آنچه حواس در تو ایجاد می‌کنند، معنایی است که مُدْرِكِ خود حواس است و هر حسی، بر آنچه خدا در ادراکش قرار داده است دلالت می‌کند و فهم همه این‌ها را از قلب گرد می‌آورد.

ادراک وهمی: قوه واهمه نیز یکی دیگر از حواس باطنی است، معانی جزئی را درک می‌کند. معانی جزئی اموری هستند که در ذهن در قالب شکل و صورت منعکس نمی‌شوند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۶: ۳۶۵). ادراک وهمی که عبارت است از معانی غیر محسوس و برخلاف ادراک حسی، هیچ‌گونه صورت محسوسی در میان نیست؛ ضمن آنکه در این‌گونه ادراک، تشخیص هست، به این معنی که ادراک وهمی،

ویژگی‌های امور جزئی را دارد و ممکن است تغییر پیدا کند (دانا سرشت، ۱۳۸۶: ۱۱۹). وهم برخلاف خیال نوعی استفاده از فکر است که پایه و اساسی در طبیعت ندارد، همان شالوده انسان مجنون است پس نباید خیال را با وهم خلط کرد (کرین، ۱۳۸۴: ۲۷۶). سرشت آدمی به صورتی است که گاهی از راه وهم و حدسیات به باورهایی دست می‌یابد این باورها چون ریشه در حقیقت ندارد در قرآن کریم از آن به‌عنوان «ظن» و «زعم» یاد شده و دستور داده است که از ظن و گمان و امور موهوم پیروی نکنید «وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (بیشترشان فقط تابع گمان‌اند و گمان نمی‌تواند جای حق را بگیرد).

هرآینه خدا به کاری که می‌کنند آگاه است) (یونس/۳۶) در تفسیر نمونه در ذیل این آیه آمده است که: آیه فوق تنها سخن از پندارهای بی‌اساس و گمان‌های بی‌پایه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۸، ۲۸۶). علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۸ سوره نجم بیان می‌کند «ظن در این آیه و در آیه سابق که می‌فرمود: *إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ* " به معنای توهم است نه اعتقاد راجح، این معنی از کلام راغب به دست می‌آید چون راغب گفته: بسیار می‌شود که کلمه "ظن" بر توهم هم اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ۶۴)».

مرتبۀ ادراک خیالی: که عبارت است از صورت باقی‌مانده در خیال یا حافظه که پس از آنکه صورت حسی محو شد، آن صورت باقی می‌ماند و عنداللزوم انسان به‌وسیله آن قادر می‌شود شیء خارجی را تصور نماید (کلاتری، ۱۳۹۰: ۱۴۰). ادراک خیالی عبارت است از صورتی که در نفس پس از پنهان‌گردیدن شیء محسوس باقی می‌ماند خواه در خواب باشد و خواه در بیداری. هراندازه که نیروی خیال توانا تر باشد صورت‌های آن تناورتر خواهد بود (تقدیر، ۱۳۹۶: ۶۸-۴۸).

هرگونه فعالیت قوه خیال انسان چنانچه به‌دوراز آگاهی صورت گیرد، در تشخیص آسان نخواهد بود که این فعالیت آیا یک خیال واهی و باطل بوده است یا اینکه یک حرکت الهام‌بخش و خلاقانه در جهت کشف ایده‌ها و تصاویر فرضی نو. از همین رو



شاید بهتر باشد که این نیروی شگفت ذهن را دارای دوسویه هستی شناسانه در نظر داشت. یک سویه خیال آمیخته با آگاهی و تفکر که این خود منبعی الهام بخش برای دانشمندان و حکیمان و مخترعان بزرگ بوده است؛ سویه دیگر خیال آمیخته با ظن و گمان و هم که انسان را از واقعیت‌ها گریزان کرده و آفت‌های جدی چون خیال‌اندیشی، خام‌اندیشی، آرزو اندیشی و کمال پنداری را برای او به دنبال داشته است (قرائی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۰۷-۱۸۶). خیال از ارکان اصلی وجودی انسان و یکی از مهم‌ترین مراتب نفس ناطقه انسانی است. قابلیت قوه خیال در حفظ و ترکیب صورت‌های خیالی مانند توانایی ترکیب کلمات و جملات در گفتار و نوشتار است که امکانی نامحدود در خلق آثار گوناگون برای انسان فراهم آورده است (می‌رهانی، نجفی، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۷۹). علامه طباطبایی در تفسیر و توضیح فرازی از آیه ۷۸ سوره نحل می‌نویسد اینکه فرمود: "وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ" اشاره است به تولد و جمله "لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا" حال از ضمیر خطاب است، یعنی شما را از رحم‌های مادرانتان متولد کرد، درحالی که شما از این معلوماتی که بعداً از طریق «حس و خیال و عقل» درک کردید خالی بودید. افزون بر این، در یک آیه هم به نیروی خیال انسان آن‌هم در حد یک کارکرد خاص اشاره شده است «قَالَ بَلِ الْقَوَا فِإِذَا جَبَلُهُمْ وَعَصِيهِمْ يُخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُ تَسْعَى» (گفت: شما بی افکنید. ناگهان از جادویی که کردند چنان در نظرش آمد که آن رسنها و عصاها به هر سو می‌دوند) (طه/۶۶). آیه مربوط به داستان حضرت موسی است که به اذن خدا در مواجهه با ساحران دربار فرعون موفق به شکست آن‌ها شد؛ چون آن‌ها با سحر و چشم‌بندی بر خیال بینندگان و حضرت موسی اثر گذاشتند و آنچه به خیال موسی در آمد به خیال سایر تماشاچیان نیز در آمد، چون در جای دیگر قرآن فرموده: "سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ" چیزی که هست در آنجا موسی (ع) به عنوان یکی از مردم تماشاچی منظور شده و در این آیه از میان همه تماشاچیان نام او آمده (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ۲۴۶).

ادراک عقلی: که عبارت است از درک و دریافت معانی کلی قابل انطباق بر افراد نامحدود، پس از ادراک صور جزئی محسوس. در این نوع ادراک، ذهن انسان پس از ادراک چند صورت جزئی و تجزیه و تحلیل مجموعه صفات اختصاصی و مشترک آنها قادر می‌شود که بر اساس صفات مشترک بین همه‌ی افراد، یک معنای کلی بسازد که قابل انطباق بر افراد نامحدود باشد (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۰۰). ما برای درک کامل، عمیق، کلی و غیر محدود اشیاء نیازمند قوه دیگری به نام قوه‌ی (عاقله) هستیم تا بتوانیم به وسیله‌ی آن شناخت جزئی و سطحی را به شناخت کلی و عمیق و شناخت محدود به زمان و مکان خاص و شناخت ظاهری را به شناخت درونی و کامل تعمیم بخشیم لذا شناختی که از راه قوه‌ی عاقله حاصل می‌شود از نظر مشخصات و ویژگی‌ها درست در مقابل شناخت حسی قرار دارد فعالیت‌های گوناگونی که این قوه انجام می‌دهد عبارت است از تهیه صور جزئی، نگهداری، جمع‌آوری، تجرید، تصمیم، مقایسه، تجزیه، ترکیب، حکمت‌دان و غیره (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۷۳). در تفسیر نمونه در ذیل تفسیر آیه ۷۸ سوره نحل و در خصوص معنی فؤاد آمده است که: شناخت ما نسبت به جهان خارج به وسیله ابزاری صورت می‌گیرد که از همه مهم‌تر سمع و بصر (چشم و گوش) است. این ابزار آنچه را از خارج دریافته‌اند به ذهن و فکر ما منتقل می‌سازند و ما با نیروی عقل و اندیشه آن را درمی‌یابیم و به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازیم این نکته نیز قابل توجه است که "فؤاد" گرچه به معنی قلب (عقل) آمده است، ولی این تفاوت را با قلب دارد، که در معنی فؤاد، جوشش و افروختگی و یا به تعبیر دیگر تجزیه و تحلیل و ابتکار افتاده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۳۳۸). فؤاد مانند قلب است و لکن این کلمه درجایی گفته می‌شود که افروختگی و پختگی در آن منظور باشد. مسلماً این موضوع پس از تجربه کافی به انسان دست می‌دهد و به هر حال گرچه ابزار شناخت منحصر به این دو، یا این سه، نیست ولی مسلماً مهم‌ترین ابزار همین‌ها است. زیرا علم انسان یا از طریق "تجربه" حاصل می‌شود یا



" استدلالات عقلی " اما تجربه بدون استفاده از چشم و گوش امکان ندارد و اما استدلالات عقلی از طریق فؤاد یعنی عقل صورت می‌گیرد (همان، ۳۳۹).

بررسی آیات و دقت نظر در گزاره‌های وحیانی، مراحل و مراتبی که برای ادراک از منظر اندیشمندان اسلامی مطرح می‌شود را می‌توان در یک نگاه کلی و تقسیم‌بندی دیگر به ادراک حسی که حاصل از حواس بیرونی و درونی است فهرست کرد در این زمینه دیدگاه‌های هم مطرح شده است که می‌تواند موئید این نوع تقسیم‌بندی از ادراک باشد زیرا تمام مراحل چهارگانه‌ای که بیان شد، به‌نوعی حواس را به حواس ظاهری مثل حواس پنج‌گانه و حواس درونی مثل وهم، خیال و عقل تقسیم‌بندی می‌کند. حواس باطنی نقش مهمی در فرایند ادراک حسی و خیالی داشته و هر کدام از آنها وظیفه‌ای مشخص در این فرایند بر عهده دارند (تقدیر، ۱۳۹۶: ۵۴). مراحل ادراک حسی به‌این ترتیب است. مرحله اول انعکاس واقعیت‌های خارجی به‌وسیله حواس پنج‌گانه مرحله دوم نوبت نفس انسان است که از این تصاویر و رمزها علم به دست بیاورد و مرحله سوم مرحله مهم و عمده ادراک است که نفس پس از توجه و علم حضوری به محصول حواس خود و آگاهی از صورت‌های انطباعی در آن حواس و با خلاقیت خود از روی صورت ذهنی عین خارجی را بازسازی می‌کند (ارشاد ریاحی ۱۳۹۰: ۱۳).

ادراکات فراحسی^۱ در قرآن

افزون بر ادراکات یادشده، در دو قرن اخیر، نوع جدیدی از ادراک مطرح شده است که ذهن بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی را به خود معطوف کرده است. در این نوع از ادراک، اگرچه همانند ادراک حسی، پدیده‌ای حسی و منطبق با فضای مادی رخ می‌نماید، اما تفاوت اصلی آن با ادراک حسی در این است که در پدید آمدن آن، هیچ‌یک از چارچوب‌های مادی از قبیل حواس، دستگاه‌ها و

^۱ - Extra sensory perception (ESP)

مکانیسم‌های طبیعی شناخته‌شده دخالت ندارند؛ که در تعریف آن می‌توان چنین گفت: کسب اطلاع، آگاهی و شناخت از یک شیء یا رویداد یا واقعه، بدون دخالت حواس عادی بشری و خارج از چارچوب‌ها و مکانیسم‌های طبیعی ادراکات حسی (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۴۰). کاوش و تحقیق در قرآن این نتیجه را در پی دارد که هیچ آیه‌ای به صورت صریح، به بیان چستی، امکان و یا انواع ادراکات فراحسی نپرداخته است؛ اما الفاظی که ناظر به انواع ادراکات فراحسی است فراوان بوده و از مرز بیست تعبیر می‌گذرد (خاک‌بازان، ۱۳۹۳: ۱۱۹)؛ که انطباق برخی از آن‌ها بر پاره‌ای از انواع ادراکات فراحسی، امکان‌پذیر و مطابق با اصول و روش‌های تفسیری است. در ذیل، بخشی از این آیات که قبلاً نیز مطرح شده بود، با انطباق بر برخی از انواع ادراکات فراحسی بیان خواهد شد.

اندیشه خوانی

نمونه‌ای از این پدیده‌ی فراحسی را می‌توان در آیات قرآن کریم، در بیان داستان حضرت یوسف پیامبر یافت. بر اساس آیات قرآن، وقتی یوسف برادرانش به بخشش الهی امید داد، چنین گفت: «أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَيَّ وَجْهَ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (یوسف، آیه ۹۳)» این جامه مرا ببرید و بر روی پدرم اندازید تا بینا گردد؛ و همه کسان خود را نزد من بیاورید برادران، پیراهن را گرفته و به سوی کنعان راه افتادند یعقوب (ع) که در کنعان به سر می‌برد و از آنچه در مصر بین برادران رخ داده بی‌خبر بود، بوی یوسف را استشمام و این مطلب را به اطرافیان اعلام می‌دارد: «وَكَمَا فَصَلَتِ الْعَيْرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ (یوسف، آیه ۹۴)» چون کاروان به راه افتاد، پدرشان گفت: اگر مرا دیوانه نخوانید بوی یوسف می‌شنوم. با عنایت به اینکه بین کنعان و مصر با امکانات آن روز ده شبانه‌روز فاصله زمانی بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۲۵۱)، استشمام بوی یوسف توسط یعقوب، یقیناً با مکانیسم‌های مادی و در قالب ادراکات حسی قابل تحلیل نبوده است.



بلکه یک پدیده‌ای فراحسی به شمار می‌آید قرآن، این پدیده خارق‌العاده را به‌عنوان معجزه‌ی یعقوب مطرح نکرده است؛ از این رو می‌توان با تحلیل علمی، آن را نوعی «تله‌پاتی» به شمار آورد (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

غیب‌بینی

درباره حضرت مریم (س) گزارش‌های فراوانی در آیات وحی دیده می‌شود که حاکی از رخداد پدیده‌های فرا طبیعی بسیار در زندگی آن حضرت است. برخی از این پدیده‌ها قابل انطباق بر پدیده غیب‌بینی است که یکی انواع ادراکات فراحسی به شمار می‌آید. در این رویداد فرا طبیعی، رازها و حقایقی بر مریم (س) مکشوف می‌شود که تحلیل آن‌ها هرگز از طرق طبیعی امکان‌پذیر نیست. قرآن کریم این رخداد را این‌گونه گزارش می‌کند: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا... (مریم، آیات ۱۷-۱۶) و در این کتاب، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد و در ناحیه‌ی شرقی [بیت‌المقدس] قرار گرفت و میان خود و آنان حجابی افکند [تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد]. در این هنگام، ما روح خود را به‌سوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد. مراد از «روح» که بر مریم نازل شده است، جبرئیل، فرشته بزرگ خداوند است و منظور از «تمثل» وی به‌صورت انسان، این است که جبرئیل به لحاظ شکل ظاهری، در صورت انسانی زیبا در نگاه مریم ظاهر شد، گرچه در سیرت، همان هویت فرشته‌ی حق را دارا بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۰) از آیات بالا، چندین مطلب به دست می‌آید که در تأیید پدیده‌ی غیب‌بینی حائز اهمیت است؛ نخست اینکه حضرت مریم (س) فراتر از مکانیسم‌های مادی قادر به دیدن روحی الهی «فرشته» می‌گردد، دوم اینکه میان مریم و روح الهی، مکالمه‌ای از جنس مکالمه‌های قابل درک برای نوع انسان صورت می‌گیرد.

پیش‌گویی

قرآن کریم، در داستان حضرت موسی (ع) به‌صراحت نکته‌ای را متذکر می‌شود که قابل انطباق بر پدیده‌ی پیش‌گویی است. بر اساس آیات وحی پس از تولد موسی (ع) نگرانی و دلهره‌ی شدیدی از گرفتار آمدن وی درد است فرعونیان و قتل او، در دل مادرش پدید آمد. به دنبال این نگرانی، خداوند به‌وسیله‌ی نوعی القاء مرموز (وحی) راه برون‌رفتی را پیش روی او گشود و وی را از آینده‌ی فرزندش موسی باخبر ساخت. قرآن در بیان این حقیقت چنین می‌گوید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (قصص، آیه ۷)» ما به مادر موسی الهام کردیم که: او را شیرده؛ و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریای [نیل] بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش که ما او را به تو بازمی‌گردانیم و او را از رسولان قرار می‌دهیم. واژه وحی در آیه‌ی بالا، به معنی وحی اصطلاحی که بر پیامبران نازل می‌شده، نیست؛ بلکه به معنی الهام و تفهیم مرموزی است که خداوند به دل‌های پاک بندگان صالحش القاء می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۱۰). با همین تفهیم مرموز، مادر موسی نه‌فقط راهی برای حفاظت از جان فرزندش به دست آورد که پیشاپیش از بازگشت موسی به دامان خویش و رسالت آینده‌ی وی نیز آگاه شد. حوادث بعدی به‌صورت کامل، درستی و حقیقت این آگاهی مرموز را مکشوف ساخت (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

جنبش فرا‌روانی

قرآن کریم، نمونه‌ی روشنی از این پدیده را در داستان مواجهه حضرت سلیمان با ملکه‌ی سبا آورده است. بر اساس آیات قرآن، پس از آنکه سلیمان ملکه سبا را به ایمان و تسلیم پروردگار فراخواند و وی با فرستادن



الهام

الهام عبارت است از: در دل افکندن، در دل خطور کردن و یا دریافت اندیشه یا خبر و یا حقیقتی به صورت مرموز و نهانی، بدون استفاده از ابزارها و مکانیسم‌های متعارف مادی. واژه‌ی وحی که به معنی «تفهیم و القای سریع و مرموز» است، در کاربرد قرآنی، بر الهام نیز اطلاق گردیده است. آیات متعددی از قرآن کریم این پدیده‌ی فراحسی را مورد تأیید قرار داده‌اند. پیش‌ازین، آیه‌ی مربوط به مادر موسی (ع) آورده شد قرآن در خصوص الهام به حواریون حضرت عیسی (ع)، چنین می‌گوید: «وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَأَشْهَدُ بِأَنَّنا مُسْلِمُونَ (مائده، آیه ۱۱۱)» و به یادآور زمانی را که به حواریون وحی فرستادم که: «به من و فرستاده من، ایمان بیاورید!» آن‌ها گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش که ما مسلمانی‌م. با توجه به اینکه حواریون، خود پیامبر نبوده، بلکه بر اساس آیه‌ی بالا، باید به رسالت و نبوت عیسی (ع) ایمان می‌آوردند و در ضمن هیچ دلیلی نیز بر نبوت آنان در دست نیست، به همین سبب مفسران واژه وحی در این آیه را به الهام در قلب معنی کرده‌اند که با وحی اصطلاحی بر پیامبران متفاوت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۱۰).

رؤیای صادق

رؤیای صادق این است که انسان در حالت خواب که مجاری ادراکات حسی او، تعطیل‌اند بر برخی از اسرار و یا بر برخی از اسرار و یا بر یک سلسله از وقایع گذشته، حال و یا آینده، به‌درستی آگاه شود (کلانتری، ۱۳۸۹: ۱۳۲). این پدیده‌ی فراحسی مورد تأیید قرآن کریم است و به موارد متعددی از آن، در آیات وحی تصریح شده است. از جمله‌ی این موارد، رؤیای حضرت یوسف است که آن را برای پدرش یعقوب این‌گونه نقل می‌کند: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ (یوسف، آیه ۴)» پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه در برابر من سجده می‌کنند. یعقوب از یوسف می‌خواهد

که خواب خود را برای برادرانش بازگو نکند. این رؤیا پس از فراز و نشیب‌های فراوانی که طی چندین سال برای یوسف و برادرانش و همچنین حضرت یعقوب پدید می‌آید، به حقیقت می‌پیوندد و این‌گونه تعبیر می‌شود: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجْدًا وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا... (یوسف، آیه ۱۰۰)» و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند؛ و همگی به خاطر او به سجده افتادند؛ و گفت: پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم؛ پروردگارم آن را حق قرار داد. در سوره‌ی یوسف، به دو مورد رؤیای صادقه دیگر نیز تصریح شده است، یکی رؤیای صاعقه‌ی دو زندانی است که با یوسف در زندان به سر می‌برند و دیگری خواب پادشاه مصر است که هر دو توسط یوسف (ع) تعبیر گردیده و پس از مدت‌زمانی به وقوع پیوسته‌اند (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

وحی

بدون شک ما نمی‌توانیم از رابطه وحی و حقیقت آن اطلاع زیادی پیدا کنیم، چراکه این‌یک نوع ادراکی است خارج از حدود ادراکات بشر و یک نوع ارتباطی است خارج از ارتباط‌های شناخته‌شده روابط انسانی و سازمانی، عالم وحی برای ما عالمی است ناشناخته و مافوق ادراکات حسی انسان. تنها مطلبی که برای ما در اینجا معقول و قابل طرح است اصل وجود یا امکان چنین ارتباط مرموزی است که خداوند در این آیه قرآن کریم بدان اشاره می‌کند: «وَمَا كَانَ لَبِشْرَ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بَيِّنَاتٍ مِمَّا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٍ (شوری، آیه ۵۱)» شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن بگوید، مگر از طریق وحی، یا از وراء حجاب، یا رسولی می‌فرستد و به فرمان او آنچه را بخواهد وحی می‌کند، چراکه او بلند مقام و حکیم است. ما می‌گوییم هیچ دلیل عقلی که امکان چنین امری را نفی کند وجود ندارد، بلکه به‌عکس ما ارتباط‌های مرموزی را در جهان خود می‌بینیم که از تفسیر آن



عاجزیم و این ارتباطها نشان می‌دهد که مافوق حواس و ارتباطهای ما نیز درک و دیده‌های دیگری وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ۴۹۶).

امور فوق ادراک

امور فوق ادراک موضوعاتی که است که در موارد متعدد خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص) و به تبع به انسان‌ها تذکر می‌دهد که انسان از درک آن عاجز است. این محدودیت و عجز انسان را خداوند در سیزده مورد تصریح می‌کند که بشر با هیچ ابزاری نمی‌تواند درک کند. به‌طور مثال ما از ادراک آتش جهنم (همزه، آیه ۵)، عظمت شب قدر (قدر، آیه ۲)، واقع شدن قیامت، (حاقه، آیه ۳)، ماهیت «سقر» (مدثر، آیه ۲۷)، «سجین» (مطففین، آیه ۸)، «علیین» (مطففین، آیه ۱۹)، «طارق» (طارق، آیه ۳)، «عقبه» (بلد، آیه ۱۲)، «قارعه» (قارعه، آیه ۳)، «هاویه» (قارعه، آیه ۱۰)، «یوم‌الفصل» (مرسلات، آیه ۱۴)، «یوم‌الدین» (انفطار، آیات ۱۷-۱۸) ناتوان هستیم، عقل و ابزارهای ادراکی انسان، اجازه جولان و طیران در این وادی‌ها و قله‌ها را ندارد. این‌ها و امثال این‌ها اموری فوق ادراک هستند، انسان با ظرفیت و هویت مادی و خاکی و بشری که دارد، دستش به ادراک این امور نمی‌رسد. روان‌شناسی نیز راهی برای ادراک این امور پیشنهاد نکرده است.

در حقیقت نه به آثار آن‌ها، نه به نشانه‌های آن‌ها و نه از هیچ طریق دیگری به آن‌ها دسترسی نداریم. این‌ها اموری هستند که باید به‌واسطه شناخت‌های دیگری، آن‌ها را باور کنیم. برای مثال باید با دلیل عقلی به وجود خداوند و نبوت پیامبر پی ببریم، آنگاه هرچه خدا و پیامبر گفتند، بپذیریم. در هر صورت باور به این امور از طرق مختلف، آثار و پیامدهای زیادی در زندگی ما دارد که روانشناسی، مدیریت و مدیریت رفتار سازمانی به مطالعه آن پیامدها می‌پردازد (کاوایی، ۱۳۹۴: ۹۳).



خطای ادراکی

یکی از مسائل مهم ادراک، پس از سال‌ها پژوهش و صرف نیروی بسیار هنوز نتوانسته‌اند به درستی بیان کنند، «خطای ادراکی» است. خطای ادراکی یک رفتار حسی یا ادراکی نادرست است، یعنی آنچه را که می‌بینیم یا می‌شنویم و یا... با موقعیت واقعی و معین و مشخص مطابقت نمی‌کنند؛ به عبارت دیگر، وقتی که ادراک ما از اشیاء و امور، به‌طور کلی، با واقع منطبق نباشد، می‌گوییم دچار خطای ادراکی شده‌ایم (ایروانی، خدا پناهی، ۱۳۸۴: ۲۰۹). البته باید توجه داشت همیشه عوامل خطای ادراکی در اختیار ما و شناخته‌شده و ارادی نیستند، عواملی چون حساسیت اندام حسی، تجربه محرومیت حسی، حضور سائق‌های فیزیولوژیک، توجه یا دقت، تجربه‌های گذشته فرد، حالت‌های هیجانی مثل ترس یا خشم، نگرش‌ها، تمایلات و آرزوها، تلقین، میزان ارزشمندی اشیاء در نظر فرد، تنبیه و پاداش قبلی نسبت به موضوع بر خطای ادراکی مؤثر است.

خداوند متعال با اشراف کامل از سیستم خلقت انسان، ضعف‌ها و محدودیت عالم مادی در آیاتی فراوانی نسبت به این موضوع اشاره و انسان را از افتادن در این مهلکه‌ها و خطاهای انسانی و سوءظن‌ها هشدار داده و عواملی را در جهت بهبود ادراک معرفی می‌کند. خطاهای ادراکی برای انسان ممکن است به چند شکل بروز و رخ دهد:

یک: مربوط به مرحله حس و ادراک حسی؛ دو: ناشی از پردازش اطلاعات که به صورت غلط انجام می‌شود. در قرآن نمونه‌های از هر کدام مورد اشاره قرار گرفته است از نوع اول، می‌توان به اموری مثل سراب دیدن کافران، سرد شدن آتش بر ابراهیم (ع)، سحر ساحران و معجزه حضرت موسی و به صلیب کشیدن عیسی (ع) اشاره کرد البته این نوع از خطای ادراکی خیلی مورد تأکید قرآن نیست؛ لکن قرآن از آن استفاده تربیتی می‌کند (گاوایانی، ۱۳۸۴: ۸۰).



از نوع دوم خطاهای ادراکی، می‌توان به موارد زیادی اشاره کرد که گاهی باعث می‌شود قلب انسان از ادراک احساس‌های درونی و چشم و گوش‌شان از ادراک احساس‌های بیرونی عاجز می‌ماند و دریافت درستی از اطراف و محرک‌ها و معانی آن‌ها ندارند.

هوای نفس، یکی از عوامل مؤثر بر خطای ادراکی است. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عِثَابَ غَشَاوَةٍ فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (جاثیه، آیه ۲۳)» هیچ دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را خدای خود گرفت و خدا او را با داشتن علم گمراه کرد و بر گوش و قلبش مهر نهاد و بر چشمش پرده انداخت، دیگر بعد از خدا چه کسی او را هدایت می‌کند آیا باز هم متذکر نمی‌شوید. هواپرستی مهم‌ترین وسیله هدایت را که درک صحیح حقایق است را از انسان می‌گیرد و پرده بر چشم و عقل آدمی می‌افکند عواقب هواپرستی آن قدر شوم و دردناک است که گاه یک لحظه هواپرستی یک عمر پشیمانی ببار می‌آورد و گاه یک لحظه هواپرستی محصول تمام عمر انسان و حسنات عمال صالح او را بر باد می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۱، ۲۶۶)؛ و در فرمایش حضرت علی علیه‌السلام آمده است: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طَوْلُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ (نهج البلاغه، خ ۴۲)» خطرناک‌ترین چیزی که بر اتم از آن می‌ترسم هواپرستی و آرزوهای دراز است چراکه هواپرستی انسان را از حق بازمی‌دارد و آرزوی دراز آخرت را به فراموشی می‌سپارد.

غفلت یکی دیگر از عواملی است که ادراک انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد خداوند در موارد متعددی از غافلین یاد کرده و آنان را سرزنش کرده است. غافلین می‌داند، اما توجه نمی‌کند، گویا به خاطر اشتغال قلبی به امور دیگر، آن مطلب را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهد (یونس، آیه ۷).

باورها، تأثیر بعضی باورها بر ادراک حسی بسیار جدی است. کسانی که آیات الهی را باور ندارند و آن را تکذیب می‌کنند نه گوش شنوایی دارند که حقایق را بشنوند و نه زبانی حق‌گویی که اگر حقیقتی را درک کردند، برای دیگران بازگو کنند. چشمان حقیقت‌بین از آنان گرفته می‌شود، گوششان صدای حق را نمی‌شود و زبانشان از گفتن بازمی‌ماند (انعام، آیه ۳۹). رفتارها، بعضی رفتارها نیز بر ادراک حسی اثر می‌گذارند، کسانی که کارهای زشت و بد انجام می‌دهند، نهایت کارشان به آنجا خواهد رسید که آیات الهی را درک نخواهند کرد، بلکه به تکذیب آن می‌پردازد (روم، آیه ۱۰).

عوامل مؤثر بر بهبود ادراک

در مکتب اسلام برعکس دیگر مکاتب معرفتی، عناصری وجود دارد که در بهبود ادراک نقش بسزای دارد و می‌تواند در نگاه و اندیشه بشری توسعه معرفتی و ادراکی بهتری به وجود بیاورد که از راه حس و عقل نمی‌توان به آن دست یافت.

تقوی

قرآن کریم نقش تقوا و تزکیه نفس را در بهبود ادراک انسانی مهم دانسته و در آیات متعدد مورد اشاره قرار داده است البته بیان قرآن در مورد عوامل بهبود ادراک و خطای ادراکی به صورتی است که ضمن بیان عوامل خطای ادراکی عوامل اثرگذار را نیز معرفی می‌کند چراکه می‌توان گفت این‌ها دوروی یک سکه‌اند. تقوا، تزکیه و تصفیه نفس نقش تعیین‌کننده‌ای در سرازیر شدن ادراکات و الهامات دارد که در این آیه از قرآن کریم برای بهره‌گیری سرزمین ذهن از تابش فروغ معنوی مورد اشاره قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ (حدید، آیه ۲۸)» ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید و به فرستاده او ایمان آورید تا خداوند به شما دو بهره از رحمت خود عنایت کند و برای شما نوری قرار دهد که در پرتو آن در جامعه حرکت کنید.



حضرت علامه طباطبایی در ذیل این آیه و آیه ۱۲۲ سوره انعام می‌فرماید منظور از نور در اینجا نور دنیایی، وهمان علمی است که در پرتو تزکیه و تقوای الهی و جلا و صفای باطن به وجود می‌آید و درواقع از ایمان متولد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۷، ۳۳۹). و گواه این مطلب روایتی است که شیعه و سنی آن را از رسول گرامی اسلام نقل کرده‌اند که فرمود: «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۶۷، ۲۴۲) «کسی که چهل روز برای خدا خودش را خالص کند چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می‌شود. نظیر این آیه و روایت در قرآن کریم و از زبان مبارک پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) زیاد است که همگی دلالت بر این دارد که تزکیه نفس و طهارت قلب نقش به سزای در معرفت و شناخت دارد بارها در قرآن کریم آمده است که تقوا، جهاد و تزکیه زمینه افاضه علم الهی را به وجود می‌آورد.

نتیجه‌گیری

یکی از ابعاد روانی و رفتاری انسان عبارت است از ظرفیت‌های شناختی او. در علوم شناختی ازجمله روانشناسی احساس و ادراک و مدیریت رفتار سازمانی، در خصوص ظرفیت‌های شناختی بشر سخن فراوان آمده است؛ لکن تحت تأثیر اثبات‌گرایی درصد کمی از ظرفیت‌ها توجه شده است. در این نوشتار روشن شده است که انسان به هنگام تولد دانسته‌های فعلی ندارد اما ظرفیت‌هایی دارد که فعلیت یافتن هر مرحله، موجب شتاب در مراحل بعدی می‌شود اندیشمندان اسلامی با الهام از آیات قرآن ادراکات انسان را دارای مراتب و مراحل چهارگانه می‌دانند که در تقسیم‌بندی دیگر این مراحل در زیرمجموعه ادراکات حسی و به حسی درونی و بیرونی تقسیم شده است، طبق بررسی آیات قرآن مشخص شد که یک سری ادراکات فراحسی نیز برای انسان قابل تجربه است و نمونه‌های عینی آن با مثال‌ها و آیات قرآنی موردبررسی قرار گرفت. ضمناً آیات قرآن نشان می‌دهد که اموری زیادی وجود دارد که قابل ادراک



برای انسان نیست و هر انسانی با هر منزلت عرفانی و معرفتی نمی‌تواند این امور را درک کند. در سیزده مورد خطاب به پیامبر گرامی اسلام آمده است که‌ای پیامبر این مسائل از حوزه ادراک تو خارج است. خطاهای ادراکی از منظر دینی مخصوصاً قرآن کریم خلاصه در خطاهای به مرحله حس و ادراک حسی نیست آنچه در قرآن کریم اهمیت دارد خطاهای است ناشی از پردازش اطلاعات مثل هوای نفس، باورهای اشتباه، رفتارهای غلط و غفلت. در برابر خطاهای ادراکی تقوا، ترکیه نفس و جهاد در راه خداست که می‌تواند به شناخت، ادراک و احساس درست از انسان، جامعه، هستی و خالق هستی کمک کند.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابراهیمی دینانی، غلام حسین (۱۳۶۶). شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، تهران: انتشارات حکمت.
۴. ابراهیمی، سید عباس، مشبکی، اصغر (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر ادراک از سیاست‌های سازمانی و حمایت سازمانی در بروز رفتارهای انحرافی». فصل‌نامه مدیریت سازمان‌های دولتی. سال اول. شماره دوم. ص ۸-۲۲.
۵. ارشد ریاحی، علی، واسعی، صفیه (۱۳۹۰). «ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاصدرا». مطالعات اسلامی فلسفه و کلام. سال چهل و سوم شماره ۸۶، صص ۴۵-۹.
۶. تقدیر، سمانه (۱۳۹۶). «تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه». فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. شماره چهاردهم. سال پنجم.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). شناخت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء. چاپ دوم.
۸. خاک‌بازان، نوید، میردرکوندی، رحیم (۱۳۹۳). «ادراک فراحسی از دیدگاه اسلام و روانشناسی». مجله معرفت. سال بیست و سوم. شماره ۲۰۵. صص ۱۳۰-۱۱۵.
۹. دانا سرشت، اکبر (۱۳۸۶). روانشناسی شفا، تهران: انتشارات المعی.
۱۰. رضائیان، علی (۱۳۸۷). مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران: انتشارات سمت. چاپ نهم.
۱۱. سبحانی، جعفر (۱۳۸۲). شناخت در فلسفه اسلامی، قم: انتشارات، موسسه امام صادق (ع).
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۰ ق). الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه، بیروت: دار احیا التراث العربی.

۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). اصول فلسفه و روش رئالیسم، قم: انتشارات صدرا، چاپ، سوم.
۱۵. قرائی سلطان‌آبادی، احمد (۱۳۹۷). «بررسی اعتبار معرفت‌شناختی تخیل خلاق در حوزه فهم آیات قرآن». دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب‌قیم. سال هشتم شماره هجدهم.
۱۶. کاویانی، محمد (۱۳۹۴). «احساس و ادراک از دیدگاه قرآن». دو فصل‌نامه علمی پژوهشی انسان پژوهی دینی. سال دوازدهم، شماره ۳۴، صص ۹۵-۷.
۱۷. کرین، هانری (۱۳۸۴). تخیل خلاق در عرفان ابن عربی، ترجمه: ان‌شاءالله رحمتی، تهران: انتشارات جامی.
۱۸. کریتر، رابرت. کینیکی، آن جلو (۱۳۸۶). مدیریت رفتار سازمانی، مفاهیم نظریه‌ها و کاربردها، مترجم: علی‌اکبر فرهنگی، حسین صفرزاده. تهران: انتشارات پویش. چاپ دوم.
۱۹. کلاتری، ابراهیم (۱۳۸۹). فوق طبیعت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۰. کلاتری، ابراهیم (۱۳۹۰). «ادراکات فراحسی و قرآن». مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث. سال چهل و سوم، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۵۲.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار، بیروت - لبنان: مؤسسه‌ الوفاء.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). آموزش فلسفه، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل. چاپ سوم.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). مسئله شناخت، قم: انتشارات صدرا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.



۲۵. میر هادی، سید مهدی، بختیار نصرآبادی، حسنعلی، نجفی، محمد (۱۳۹۳). «نقش خیال در تربیت انسان از منظر آیت‌الله جوادی آملی». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال بیست و دوم. شماره ۲۳. صص ۱۰۱-۷۹.

۲۶. نصری، عبدالله (۱۳۷۹). نظریه شناخت در فلسفه اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

27. Baron, Robert A. Gerald Greenberg (1990) Behavior in organization: Understanding and managing the Human Side